

ایندو پاسیفیک و ضرورت نگاه جدی‌تر جمهوری اسلامی ایران به آن

10.30495/pir.2022.1946086.3404

مهرداد عله پور^۱، رشید رکابیان^۲، وحید قربانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

چکیده

جمهوری اسلامی ایران طی سالیان اخیر به‌منظور تثبیت و توسعه منافع ملی خود، با تأسی از راهبرد سنتی نگاه به شرق، توجه ویژه‌ای را به برقراری رابطه تنگاتنگ و تعامل وثیق با کشورهای حاضر در آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک مبذول داشته است. با عنایت به دگرگونی‌های راهبردی که بر دستگاه دیپلماسی ایران سایه افکنده است، نگارندگان پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با به‌کارگیری مفروضات تئوریک مستتر در نظریه نو منطقه‌گرایی کوشیده‌اند تا به چرایی این پرسش راهبردی پاسخ گویند که ویژگی، ابعاد، وجوه و ضرورت توجه و تمرکز فزاینده جمهوری اسلامی ایران به حوزه قدرت آفرین ایندو پاسیفیک، چگونه ارزیابی می‌گردد؟ فرضیه‌ای که از معبر پرسش فوق مطرح گردیده ناظر بر آن است که متأثر از صعوبت‌های تحمیلی ناشی از تحریم‌های بی‌سابقه مجموعه غرب و همچنین با عنایت به جایگاه ویژه‌ای که حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک در معادلات ژئوپلیتیکی پسا جنگ سرد احراز کرده است، دستگاه دیپلماسی ایران، به‌منظور حضور هرچه فعال‌تر در سامانه‌های چندجانبه منطقه‌ای و افزایش سطح تعاملات سیاسی - اقتصادی خود با منظومه قدرت‌های شرق آسیایی همچون جمهوری خلق چین، جهت، محور و گستره سیاست خارجی خود را به سمت مناطق فراسوی مرزهای شرقی معطوف داشته است.

واژگان کلیدی: رویکرد راهبردی، ایندو پاسیفیک، نگاه به شرق، منطقه‌گرایی نوین، جهانی محلی شدن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانش آموخته ارشد روابط بین‌الملل و دبیر میز شرق آسیا، پژوهشکده تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول)

mehrdadalipour1992@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)

۳. دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی و مدیر گروه سیاست خارجی پژوهشکده تحقیقات راهبردی

جُستار گشایی

واقعیت امر نشان از آن دارد که در فضای «جهانی‌محلی»^۱ شدن عرصه سیاست و روابط بین‌الملل، سامان یابی نظام بین‌الملل، به ضرب ضرایب زمان، نضج یافته از سه مفهوم ژرف «دولت»^۲ (با مفهوم وستفالیایی)، «منطقه»^۳ (با ماهیتی جغرافیایی) و «قاره»^۴ (با مفهوم و ماهیتی سیاسی - جغرافیایی) هست. لازم به ذکر است که متأثر از شرایط پدیدار شده، آوردگاه راهبردی «ایندو پاسیفیک»^۵ به‌عنوان نقطه ثقل سیاست جهانی، بنا به برجستگی‌های روزافزونی که طی سالیان اخیر احراز کرده است، نه تنها مُبدل به کارزاری مهم جهت شکل‌دهی به دستور کارهای بین‌المللی شده است، بلکه به‌واقع میزبان مجموعه‌ای از تناصرها و تناظرهای راهبردی نیز بوده است. به بیانی بهتر می‌توان چنین اظهار داشت که حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک از جمله موجودیت‌های جغرافیایی کم‌نظیری است که در فضای «پسا شوروی»^۶، همواره با مصائب، معضلات و مسائل عدیده‌ای از جنس حضور و دخالت سیاسی - نظامی مخرب کنشگران فرا مجموعه‌ای همچون ایالات متحده و همچنین بحران‌های منطقه‌ای دامنه‌دار مواجه بوده است که همین امر به‌نوبه خود نه تنها منجر به اهمیت فزاینده این حوزه راهبردی در نظریات بین‌المللی شده است، بلکه به‌واقع سبب شده است تا بیشترین ظرفیت لازم را برای پیشبرد بحث «نو منطقه‌گرایی»^۷ نیز احراز نماید.

شایان ذکر است که سیاست نو منطقه‌گرایی که از آن تحت عنوان منطقه‌گرایی نوین نیز یاد می‌شود از جمله رویکردهای بنیادینی است که به سبب تأکید ویژه بر راهبرد گشودگی برون منطقه‌ای در عصر جهانی‌شدن تا حدود زیادی مطمح‌نظر نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و ایشان از این رهگذر توجه و تمرکز فزاینده‌ای را به منطقه راهبردی ایندو پاسیفیک مبذول داشته‌اند. در همین رابطه متولیان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران اعتقادشان چنین ترتیب بندی شده است که با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی ایران در منطقه «غرب آسیا»^۸ که شاهراه ارتباطی «شمال به جنوب»^۹ و نیز بین «شرق به غرب»^{۱۰} است و با عنایت به لزوم استعمال سیاست خارجی همگرایانه منطقه‌ای فعال مبتنی بر اتحادها و ائتلاف‌ها بر اساس اصل رجحان برقراری روابط حسنه با همسایگان، کشورهای درحال توسعه و کشورهای مسلمان تحت لوای راهبرد نگاه به شرق، ضروری است که در قالب رویکرد نو منطقه‌گرایی، ضمن گذار از ائتلاف‌های ناپایدار و زودگذر نظامی و امنیتی، برقراری، بیشینه‌سازی و متعاقباً تعمیق روابط منطقه‌ای اقتصاد پایه، سیاست پایه و فرهنگ پایه با کشورهای حاضر در حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک به‌عنوان یکی از حساس‌ترین مناطق سیاسی - اقتصادی جهان، بیش‌ازپیش در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

با تاسی از مطالبی که ذکرشان رفت، در خلال اثر حاضر کوشش شده است تا به جهت ارائه بینشی سودمند از روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکم بر حوزه ایندو پاسیفیک، تصویری کم‌وبیش جامع از آینده تحولات این

1. Localization

2. State

3. Region

4. Continent

5. Indo - Pacific

6. Post - Soviet

7. Neo - Regionalism

8. West Asia

9. North and South

10. East to West

منطقه راهبردی و جایگاه منافع جمهوری اسلامی ایران در آن به تصویر کشیده شود. در همین راستا، پرسش اصلی پژوهش ناظر بر آن است که ویژگی، ابعاد، وجوه و ضرورت توجه و تمرکز فزاینده جمهوری اسلامی ایران به حوزه قدرت آفرین ایندو پاسیفیک، چگونه ارزیابی می‌گردد؟ به منظور تجزیه و تحلیل پرسش اصلی پژوهش، ابتدا کوشش شده است تا مفروضات تئوریک حاکم بر رویکرد نو منطقه‌ای‌گرایی به‌عنوان چارچوب مفهومی پژوهش از نظر گذرانده شود و پس از آن جایگاه راهبردی و جغرافیایی منطقه ایندو پاسیفیک تشریح شده است و سر آخر نیز، عوامل پیشران، عدم قطعیت‌های کلیدی، عوامل چالش‌زا و شگفتی‌سازهای مؤثر بر دورنمای منطقه‌گرایی نوین در حوزه ایندو پاسیفیک بر اساس منافع جمهوری اسلامی ایران در پرتو مفاهیم و معناها مورد توجه واقع شده است. شایان ذکر است که هدف از نگارش اثر حاضر بررسی ضرورت‌های توجه فزاینده دستگاه دیپلماسی کشور به حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک در فضای اعمال تحریم‌های حداکثری از جانب مجموعه غرب است.

۱- سپهر نظری پژوهش

چارچوب نظری مورد استفاده به‌عنوان پشتوانه نظری پژوهش، بهره‌گیری از مجموعه نظریات منطقه‌گرایی است که به منظور افزایش توانایی در تحلیل وقایع معاصر، در قالب منطقه‌گرایی نوین یا نو منطقه‌گرایی تجمیع و تلفیق شده است. در مقام تشریح مفروضات نظری مستتر در تئوری نو منطقه‌گرایی می‌توان چنین اظهار داشت که این تئوری، قائل به ترتیب بندی محیط بین‌الملل بر اساس مناطق مختلف جغرافیایی است؛ مناطقی که در بطن خود موجودیت‌های مختلفی اعم از دولت و غیر دولت‌ها را جای داده‌اند و این موجودیت‌ها پیوسته بر اساس خطوط اقتصادی و سیاسی که برای خود تعریف کرده‌اند، تلاش می‌نمایند تا فضای کلی سیاست و روابط بین‌الملل را متأثر از نوع کنشگری خود نمایند (Baysoy, 2020: 13). به بیانی دقیق‌تر می‌توان چنین اظهار داشت که منطقه‌گرایی پدیده‌ای ژرف است که پیوسته به واسطه کنش‌های اشتراکی در سطح مناطق برساخته و باز برساخته می‌شود و از این رهگذر می‌کوشد تا نظام بین‌المللی را نیز دستخوش تغییر و دگرگونی نماید.

۱-۱ منطقه‌گرایی قدیم

لازم به ذکر است که مجموعه نظریات مرتبط با منطقه‌گرایی از زمان پیدایش این تئوری تاکنون، دچار دگرگونی‌های گوناگونی شده است. میزان تغییرات پدیدار شده در نظریه منطقه‌گرایی چنان گسترده بوده است که امروزه عمدتاً از دو نسل نظری «منطقه‌گرایی قدیم»^۱ و «منطقه‌گرایی نوین»^۲ یا نو منطقه‌گرایی سخن به میان آمده است (Selleslaghs & Langenhove, 2020: 158). در مقام تشریح مفروضات نظری حاکم بر منطقه‌گرایی قدیم می‌توان چنین اظهار داشت که این وجه از منطقه‌گرایی به مجموعه نظریاتی اطلاق می‌شود که در خلال دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به‌منظور تبیین و تشریح روند همگرایی در قاره سبز ارائه شد (Rosamond, 2000). معتنابه است که نظریه‌پردازان منطقه‌گرایی قدیم که تا حدود زیادی متأثر از دوران معاصر خود بودند (شرایط دوقطبی جنگ سرد) نوع نگاهشان به موضوعات کاملاً تک‌بعدی بود؛ بدین معنا که در بررسی موضوعات و مسائل پدیدار شده در سطح مناطق، با نگاهی از بالا به پایین، مسائل را در دو بخش اقتصادی و یا امنیتی دسته‌بندی می‌کردند و خارج از این دو حیطه منظومه

1. Old regionalism

2. New regionalism

موضوعی دیگری را قابل‌اعتنا نمی‌دانستند (Collins, 2010). مُروجان و نظریه‌پردازان قدیم منطقه گرا با توجه به جهان‌بینی خاصی که داشته‌اند، همواره درصدد پاسخ به چرایی این پرسش راهبردی برآمده‌اند که چگونه می‌توان شرایط صلح حداکثری را در خاستگاه دو جنگ ویرانگر جهانی برقرار ساخت؟ (Barbieri, 2019: 428).

۱-۲ منطقه‌گرایی نوین

به‌منظور رفع خلأهای نظری موجود در آراء اندیشمندان قدیم منطقه گرا، در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی کوشش‌های فزاینده‌ای صورت پذیرفت تا از رهگذر فرایندهای چندبعدی نگر، ارزیابی‌های واقع‌بینانه‌تری از روابط میان عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی بر اساس سه عامل سطح (فرو منطقه‌ای، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای)، ابعاد (امنیتی، تجاری، پولی، توسعه‌ای و مالی) و نوع کنشگران منطقه‌ای (بازیگران فرو ملی و خودمختار، جامعه مدنی، سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌ها) ارائه گردد (شیخون و طالبی آرانی، ۱۳۹۹: ۹۹). به بیانی دقیق‌تر می‌توان چنین اظهار داشت که منطقه‌گرایی نوین از چهار منظر خط سیر، انگیزه و هدف، کارگزاری و قلمرو تمایزات ویژه‌ای را با نظریات قدیم منطقه‌گرایی احراز کرده است (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳۳۸). معتنابه است که به لحاظ خط سیر و جهت، نو منطقه‌گرایی مخالف نگاه از بالا به پایین دولت‌ها، ضرورت‌های ایستا و جبر ساختاری است. از منظر انگیزه و هدف نیز باید اذعان داشت که نو منطقه‌گرایی قائل به همگرایی‌های چندوجهی است که بتواند تمام ابعاد همکاری اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحت پوشش قرار دهد. از نظر این طیف از نظریه‌پردازان منطقه گرا، هدف در منطقه‌گرایی نوین بسیار فراتر از ایجاد نظام‌های تجارت آزاد منطقه‌ای است. از نظر جایگاه کارگزاران نیز باید اظهار داشت که برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که به‌صورت تک‌بعدی بر کنشگری انحصاری دولت‌ها در سازه‌های منطقه‌ای تأکید و تمرکز داشت، نو منطقه‌گرایان قائل به نقش‌آفرینی طیف گسترده‌ای از کنشگران دولتی، فردی و اجتماعی در دو سطح درون و برون منطقه‌ای هستند. به لحاظ گستره و قلمرو جغرافیایی نیز باید توجه داشت که منطقه‌گرایان نوین برخلاف آسلاف خود که محدود و محصور در قاره اروپا بودند، تمام سعی‌شان را به کار بستند تا منطقه‌گرایی را به‌صورت یک پدیده جهان‌شمول و عمومی معرفی نمایند (رسولی نژاد و صبری، ۱۴۰۰: ۳۶۸). در نگاهی کلی، عمده تمایزات موجود در مفروضات نظری منطقه‌گرایی نوین و منطقه‌گرایی قدیم در قالب جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول ۱ - وجوه تمایز انگاره‌های نظری اندیشمندان قدیم منطقه گرا و منطقه‌گرایان نوین

R	نظریه	خط سیر و جهت	انگیزه و هدف	کارگزاران	قلمرو جغرافیایی	میزان تأثیرپذیری از نظام جهانی
۱	منطقه‌گرایی قدیم	نگاه از بالا به پایین بر اساس ضرورت‌های ایستا و جبر ساختاری	تک‌بعدی نگری (سیاسی و یا امنیتی)	دولت‌ها تنها کنشگران مؤثر در سطح مناطق هستند	محدود و محصور در اروپا	متأثر از فضای جنگ سرد
۲	منطقه‌گرایی نوین	نگاه از پایین به بالا بر اساس روندهای منطقه‌ای پویا	همگرایی چندوجهی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و...)	قائل به کنشگری طیف گسترده‌ای از بازیگران فردی، دولتی و اجتماعی	وسیع القاعده	مستقل از هرم قدرت جهانی

(منبع: نگارندگان)

۱ - ۳ تبیین سیاست خارجی نوین جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفروضات تئوریک نو منطقه‌گرایی

در مقام تبیین چرایی اتخاذ چارچوب تئوریک مورد اشاره می‌توان چنین اظهار داشت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی که منجر به ظهور کنشگرانی مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز شد، به مثابه دیگر نقطه عطفی می‌ماند که به نوبه خود موجب شد تا تمرکز دستگاه دیپلماسی کشور بر اساس رویکردهای تاریخی، تمدنی و حتی فرهنگ اسلامی معطوف به مناطق شمالی و شرقی کشور گردد. معتنابه است که تبعات سیاسی - امنیتی بر خواسته از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که منجر به اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف تحت هدایت ایالات متحده شد، نظم سیاسی - امنیتی حاکم بر منطقه غرب آسیا را وارد فاز جدیدی کرد. با توجه به دگرگونی‌های پدیدار شده، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت و تقویت نقش‌های سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی خود در مسائل منطقه‌ای و بین‌الملل، بر اساس سه رویکرد منطقه‌گرایانه حاکم بر دستگاه دیپلماسی خود یعنی رویکرد ایدئولوژیک، رویکرد تاریخی - فرهنگی و رویکرد ژئوپلیتیکی مبادرت به برقراری رابطه با زیرسیستم‌های مختلف منطقه‌ای در آسیای غربی، خلیج فارس، آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و قفقاز کرد. علاوه بر حوزه‌های مورد اشاره، آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک که مفهومی نوین در ادبیات سیاسی روابط بین‌الملل به شمار می‌رود دیگر حوزه راهبردی است که طی سالیان اخیر به سبب اهمیت فزاینده منطقه‌ای و بین‌المللی ویژه‌ای که احراز کرده است بر اساس رویکردهای نوین حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و عنایت نخبگان سیاسی کشور واقع شده است.

۲ - حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک و جایگاه راهبردی آن در نظریات نوین منطقه‌گرایی

آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک که از آن تحت عنوان «هند - آرام» و «آسیا پاسیفیک»^۱ نیز نام برده می‌شود منطقه‌ای راهبردی در جغرافیای زیستی کره زمین هست که در ابتدای قرن ۲۱ میلادی، به سبب مبدل شدن به مجموعه‌ای از تناصرها، تناظرها و قطب‌بندی‌های راهبردی و مشکل‌زا، جایگاه ویژه‌ای را در ادبیات سیاسی و اقتصادی روابط بین‌الملل احراز نموده است. در بیان ویژگی‌های پیدای پنهان حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک به عنوان نقطه ثقل سیاست بین‌الملل همین بس که این منطقه راهبردی که بیش از ۴۰ درصد خروجی اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است، به عنوان پراکنده‌ترین ناحیه کره زمین (مشمول بر ۳۶ کشور قاره‌ای، شبه جزیره‌ای و مجمع‌الجزایری) تلقی می‌شود که حدود نیمی از جمعیت جهان (بیش از سه میلیارد نفر جمعیت) را در خود جای داده است (Chatham House, 2021: 36). لازم به ذکر است که وجود آبراه‌های راهبردی نظیر تنگه‌های «مالاکا»،^۲ «سوندا»^۳ و «لومبوک»^۴ که ۷۰ درصد تجارت جهانی را پشتیبانی می‌کنند در کنار حضور بزرگ‌ترین دموکراسی جهان (هندوستان) و بزرگ‌ترین

۱. محور اصلی این مفهوم دو کشور جمهوری خلق چین و پاکستان می‌باشند که در مقابل محور ایندو پاسیفیک مطرح شده است.

۲. Malacca Strait

۳. Sunda Strait

۴. Lombok Strait

کشورهای اسلامی (هندوستان، اندونزی و پاکستان) در این حوزه راهبردی، از جمله خصایص بارز دیگری می‌باشند که به‌نوبه خود سبب شده‌اند تا حوزه ایندو پاسیفیک مورد توجه کنشگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای واقع گردد. شایان‌ذکر است که به لحاظ سیر زمانی، تحلیل‌گر هندی با نام «گورپریت خورانا»^۱ نخستین شخصی بود که مبادرت به استعمال واژه ایندو پاسیفیک در پرتو مفاهیم و معناها نمود. پس از خورانا، «شینزو آبه»^۲ نخست‌وزیر وقت ژاپن نیز در ماه اوت سال ۲۰۰۷ میلادی (مرداد ۱۳۸۶) در خلال سخنرانی که در مجلس هندوستان ایراد کرد به‌صراحت از ادغام اقیانوس‌های آرام و هند به‌منظور اتصال دریا‌های غنی و آزاد در آسیای پهن‌تر سخن به میان آورد (Singh, 2016). متعاقب صعود جایگاه ایندو پاسیفیک در ادبیات سیاسی جهان، در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) «هیلاری کلینتون»^۳ (وزیر امور خارجه) و «کورت کمپل»^۴ (معاون وزیر امور خارجه) نیز به‌کرات مبادرت به استعمال واژه ایندو پاسیفیک در سخنرانی‌های خود نمودند؛ سخنرانی‌هایی که نه‌تنها منجر به وارد شدن واژه ایندو پاسیفیک به زبان رسمی سیاست خارجی ایالات متحده شد، بلکه به‌واقع منجر به پدیدار شدن تئوری «بازتوازن در آسیا»^۵ یا نظریه «چرخش ایالات متحده به سمت آسیا»^۶ نیز شد (Mohan, 2017). علاوه بر موارد مذکور، «مانموهان سینگ»^۷ نخست‌وزیر وقت هندوستان در اواخر سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، مقامات اندونزی در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) و «دونالد ترامپ»^۸ در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) که خواهان «ایندو پاسیفیک آزاد و بازتر»^۹ شده بود، از جمله نمونه‌های بارز دیگری هستند که بر این واژه پُرطمطراق اشاره کرده‌اند (شفیعی، ۱۳۹۹: ۳۷۰).

۳- اهمیت حوزه ایندو پاسیفیک برای جمهوری اسلامی ایران از دریچه سیاست نگاه به شرق

متعاقب فروپاشی «اتحاد جماهیر شوروی»^{۱۰} و «پایان جنگ سرد»^{۱۱} بسیاری از کشورهای فرصت‌طلب و ترقی‌خواه حاضر در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل، با نگاهی چندبُعدی و راهبردی، به‌منظور تأمین، تضمین و بیشینه‌سازی «منافع ملی»^{۱۲} خود، توجه ویژه‌ای را به مقوله منطقه‌گرایی و مباحث مرتبط با آن مبذول داشتند. منبعث از دگردیسی‌های بین‌المللی پدیدار شده، در فضای پسا انقلاب اسلامی، نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز همانند دیگر کنشگران ملی، با تأسی از اصول، آمال، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی حاکم بر کشور که تصریحاً و یا تلویحاً در اسناد رسمی همچون «سند چشم‌انداز ۲۰ ساله»، «سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «قانون اساسی»^{۱۳} کشور تبلور یافته است، در صدد برآمدند تا همکاری و تعامل سازنده سیاسی و اقتصادی ژرفی را بر

1. Gurprit Khorana

2. Shinzō Abe

3. Hillary Clinton

4. Kurt M. Campbell

5. Rebalance in Asia

6. The U.S Pivot to Asia

7. Manmohan Singh

8. Donald Trump

9. Free and open indo pacific Strategy

10. Soviet Union

11. The end of the Cold War

12. National Interest

13. Constitution

اساس «راهبرد نگاه به شرق»^۱ با مراکز، منابع و کشورهای «تجدید نظر طلب»^۲ مخالف «نظم نوین آمریکایی»^۳ به منصفه ظهور برسانند (Hunter, 2010: 117).

متعاقب طرح سیاست نگاه به شرق که رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شمال شرقی، شرقی و جنوب شرقی کشور است، دیدگاه‌های عملی و نظری متعدد و مختلفی اظهار گردیده است؛ نخستین دیدگاه موجود که تا حدود زیادی عمل‌گرایانه است با ارائه تعاریفی مشخص و مدون از ویژگی‌ها و خصایص جغرافیایی، مکانی و هویتی حوزه شرق، قائل به برقراری روابط همگرایانه در قالب ائتلاف و اتحادهای دوجانبه و چندجانبه هست (Adami, 2010: 89). دیدگاه دوم که تا حدود زیادی ارزش محور است، حوزه شرق را به مثابه جغرافیایی ایدئولوژیک می‌پندارد که قادر است ارزش‌ها و هنجاری غربی حاکم بر عرصه سیاست بین‌الملل را با چالش مواجه نماید (سازمند، ۱۳۹۹: ۳۹). علاوه بر دیدگاه‌های مورد اشاره، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که از زاویه نگاه اسلام‌گرای جمهوری اسلامی ایران، نقشی کاملاً ایدئولوژیک را برای حوزه شرق در مقابل جهان غرب قائل است (صیادی و سنایی، ۱۳۹۶: ۸۵). البته در کنار دیدگاه‌های مورد اشاره، نگاه دیگری نیز وجود دارد که برخلاف تصور غالب کارشناسان امر که قائل به تأثیرپذیری راهبرد نگاه به شرق از پیوندهای اقتصادی و فرهنگی و پیشینه‌های تمدنی هستند، معتقد است که به سبب فشارهای فزاینده مجموعه غرب و مشخصاً ایالات متحده بر جمهوری اسلامی ایران، نخبگان سیاسی ایران به منظور افزایش ضریب امنیت ملی و مدیریت تحریم‌های تحمیلی مجموعه غرب در سیستم «آناشری»^۴ نظام بین‌الملل در صدد جست‌وجوی متحدان راهبردی برای خود برآمده‌اند (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۸۶).

نکته قابل تأملی که در خصوص راهبرد نگاه به شرق باید ملاحظه نظر واقع گردد آن است که هم‌زمان با پیروزی طیف موسوم به اصول‌گرایان در نهمین دوره انتخاب ریاست جمهوری ایران، سیاست خارجی کشور در عین تعهد به تداوم سیاست‌های کلی نظام، با کاربست شعار «اصول‌گرایی عدالت محور»^۵ کوشید تا مبانی فکری، اصول رفتاری و جهت‌گیری خاص خود را بر دستگاه دیپلماسی کشور حاکم نماید (سازمند، ۱۳۹۹: ۳۰). نتیجه عینی تغییرات ایجاد شده آن بود که نه تنها جهت‌گیری سیاست خارجی کشور از سیاست «اصلاح طلبانه - مدارا جویانه»^۶ به رهیافت «انقلابی - تهاجمی»^۷ تغییر پیدا کرد، بلکه به‌واقع گفت‌وگوی انتقادی با ایالات متحده، ردگیری فعال سیاست نگاه به شرق، توجه و تمرکز بیشتر بر گسترش روابط با کشورهای حاضر در حوزه آمریکای لاتین، تلاش در جهت اصلاح و تغییر رویه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین بازنگری در دیپلماسی هسته‌ای کشور، سرلوحه اقدامات دولتمردان وقت قرار گرفت (Sazmand and Tabrizi, 2012: 2). با عنایت به مطالبی که ذکرشان رفت می‌توان چنین اظهار داشت که عمده دلایل و عواملی که طی سال‌های اخیر موجب شده‌اند تا دستگاه دیپلماسی کشور از رهگذر راهبرد نگاه به شرق توجه فزاینده‌ای را به حوزه راهبردی ایندو پاسیفیک به‌عنوان مرکز ثقل سیاست و اقتصاد جهانی مبذول نماید شامل مواردی همچون: جایگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران در ابتکار «کمربند - راه»^۸، لزوم تقویت همکاری‌های

1. East Look Strategy

2. Revisionism

3. The New American Order

4. Anarchic

5. Justice oriented fundamentalism

6. Reformist - tolerant

7. Revolutionary - Offensive

8. Belt and Road

دوجانبه، چندجانبه و نهادی با کشورهای نوظهور منطقه در شرایط تحمیل تحریم‌های حداکثری مجموعه غرب، حضور متحدان قدرتمندی همچون جمهوری خلق چین به‌عنوان قدرت در حال صعود موازنه طلب و مواردی از این دست هست. به‌منظور فهم هرچه بهتر ضرورت‌های نگاه جمهوری اسلامی ایران به حوزه آیندو پاسیفیک در ادامه کوشش شده است تا با تأسی از مجموعه نظریات نو منطقه‌گرایی، در پرتو مفاهیم و معناها گزاره‌های مؤثر بر گرایش ایران به حوزه مذکور موردبررسی واقع گردد.

۴ - نظریات نوین منطقه‌گرایی و ضرورت نگاه جمهوری اسلامی ایران به حوزه راهبردی آیندو

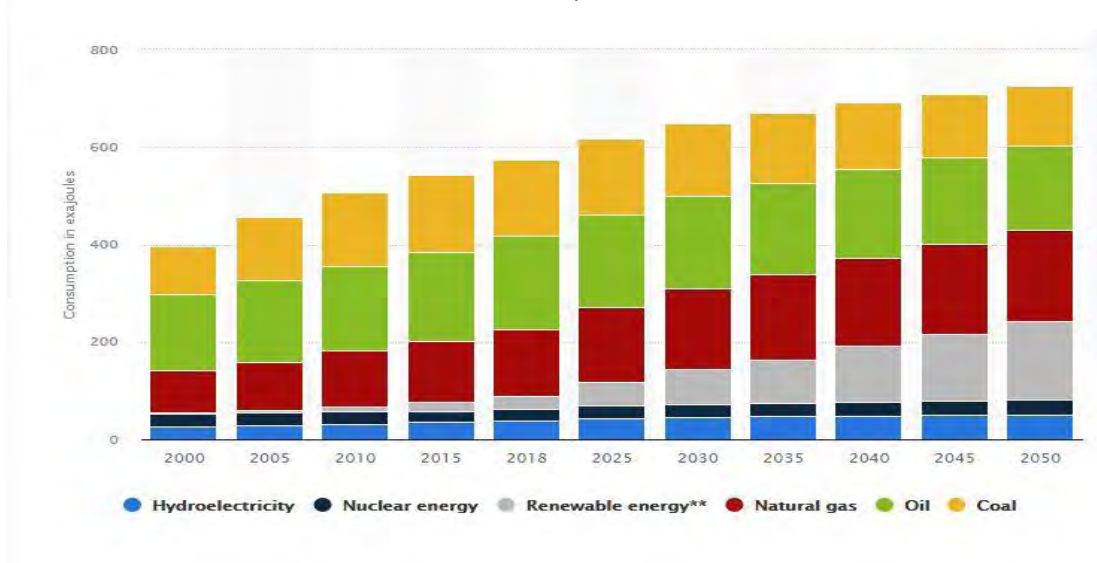
پاسیفیک

منبعث از انگاره‌های بنیادینِ مورداشاره، ضرورت توجه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به آوردگاه آیندو پاسیفیک را می‌توان در قالب مواردی همچون: تلاش در جهت عرضه پایدار انرژی، نیاز فزاینده کشور به فناوری‌های روز موجود در جوامع شرق آسیا و لزوم تقویت جایگاه خود در محورهای ترانزیتی همچون شمال به جنوب و شرق به غرب مورداشاره قرار داد.

۴ - ۱ عرضه پایدار انرژی به‌مثابه حلقه واسط در نوع نگاه تهران به حوزه آیندو پاسیفیک

غالب اندیشمندان امر، عامل انرژی را به‌مثابه موتور محرک و نیروی پیشرانی می‌پندارند که قادر است از رهگذر مناسبات و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، سنگ بنای بقا و توسعه اقتصادی جوامع گوناگون را فراهم نماید (مختاری و صالحی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). به بیانی دقیق‌تر می‌توان چنین اظهار داشت که هرگونه اخلال در دستیابی ارزان، مطمئن و مداوم به منابع انرژی، نه‌تنها موجب برهم خوردن ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور هدف می‌گردد، بلکه در بلندمدت می‌تواند موجبات به خطر افتادن بقای وجودی کشور را نیز فراهم نماید (رکن‌آبادی و جوزی ده سفید، ۱۳۹۹: ۶۶). نکته قابل توجهی که در خصوص عامل انرژی باید مطرح نظر قرار گیرد آن است که بر اساس پیش‌بینی‌های مراجع علمی معتبر، به سبب مجموعه‌ای از عوامل مختلف، مصرف انواع انرژی به‌غیر از زغال‌سنگ، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۴۰ میلادی چیزی در حدود ۲۸ درصد افزایش پیدا خواهد کرد که در این بین، کمافی‌سابق، جریان‌ات ژئواکونومیک نوین جهانی تا حدود زیادی متکی به عامل نفت باقی خواهد ماند (EIA, 2018). با عنایت به تغییر و تحولات ژرف پدیدار شده، باید اذعان داشت که فرصت مغتنم و کم‌نظیری جهت کنشگری فعال برخی بازیگران حوزه انرژی ایجاد شده است.

نمودار ۱- پیش‌بینی میزان مصرف انرژی جهان تا سال ۲۰۵۰ میلادی (Statista, 2021)



در مقام واکاوی انگاره فوق می‌توان چنین اظهار داشت که گرچه در گذشته کشورهای توسعه یافته در قالب «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۱ سهم عمده‌ای از تقاضای انرژی جهانی را به خود اختصاص می‌دادند، ولی با این حال باید اذعان داشت که به سبب ظهور اقتصادهای در حال صعودی همچون جمهوری خلق چین، در آینده‌ای نه‌چندان دور، سبک تقاضای جهانی انرژی^۲ به سمت مناطق راهبردی همچون حوزه ایندو پاسیفیک تغییر جهت خواهد داد. شاهد مثال اظهار نظر مورداشاره نیز آن است که در سال ۲۰۱۵ میلادی، منطقه ایندو پاسیفیک بنا به نیازهای فزاینده کشورهای حاضر در آن، به تنهایی ۴۲ درصد از انرژی جهانی را به خود اختصاص داد و از این رهگذر توانست خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهانی معرفی به همگان معرفی کرد (Ritchie and Roser, 2018).

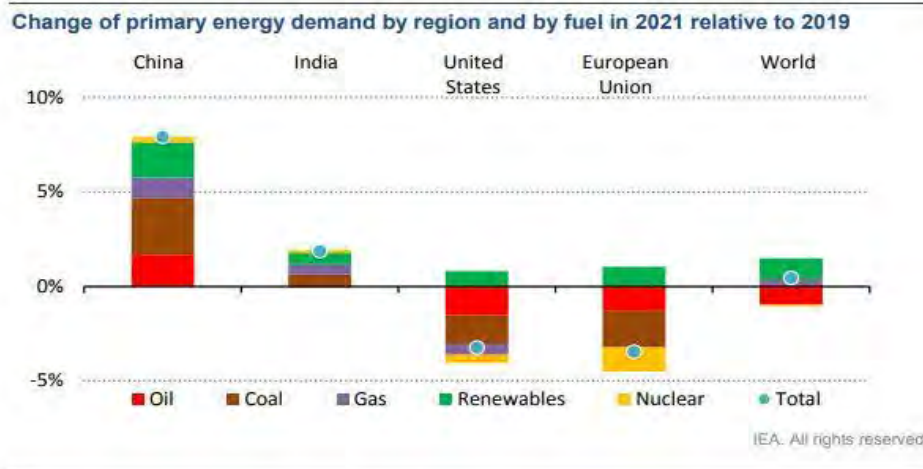
در خصوص نیازهای فزاینده چین به عامل انرژی نیز می‌توان چنین اظهار داشت که این کشور شرق آسیایی، در مقام دومین اقتصاد برتر جهان،^۳ به سبب حفظ و تداوم آهنگ رشد و توسعه اقتصادی مستمری که طی سالیان اخیر احراز کرده است، درصدد برآمده تا از رهگذر تضمین امنیت انرژی خود، موجبات تداوم روند رو به رشد خود را فراهم نماید (میر ترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۲۰۷). به همین منظور نخبگان سیاسی و اقتصادی چین طی سالیان اخیر مبادرت به ارائه ابتکاری نوین تحت عنوان احیای جاده ابریشم کرده‌اند تا از این طریق نه تنها موجبات پیوند اقتصادی، زیرساختی، سیاسی و تجاری خود را با کشورهای هدف فراهم نمایند، بلکه به‌واقع امنیت دسترسی به منابع انرژی پایدار را تا سالیان متمادی تأمین و تضمین نماید (Umbach, 2019: 33).

^۱. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۲. پیش‌بینی می‌شود، با تداوم روندهای جاری، تقاضای نفت خام در جهان در سال ۲۰۲۵ میلادی به بیش از ۱۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که تقاضای جدیدی در حد ۲۵ تا ۳۰ میلیون بشکه در روز را نشان می‌دهد.

^۳. در سال ۲۰۱۳ میلادی، چین از آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام و محصولات پتروشیمی پیشی گرفت (فرهمند و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲).

نمودار ۲- جایگاه چین در نمودار تقاضای جهانی انرژی در سال ۲۰۲۱ میلادی



جدول ۲ - چشم‌انداز تولید، تقاضا و واردات نفت چین (میلیون بشکه در روز)

سال	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰
تولید	۲,۸	۳,۶	۶,۸	۳,۷	۴,۲	۴,۶	۴,۹
تقاضا	۲,۳	۶,۴	۹,۴	۱۰,۵	۱۱,۹	۱۳,۶	۱۵,۷
واردات	-۵,۰	۲,۸	۵,۶	۶,۸	۷,۷	۹	۱۰,۸
درصد واردات	-۲۱,۷	۴۳,۸	۵۹,۶	۶۴,۸	۶۴,۷	۶۶,۲	۶۸,۸

(عباسی و زارع، ۱۴۰۰: ۱۲۲)

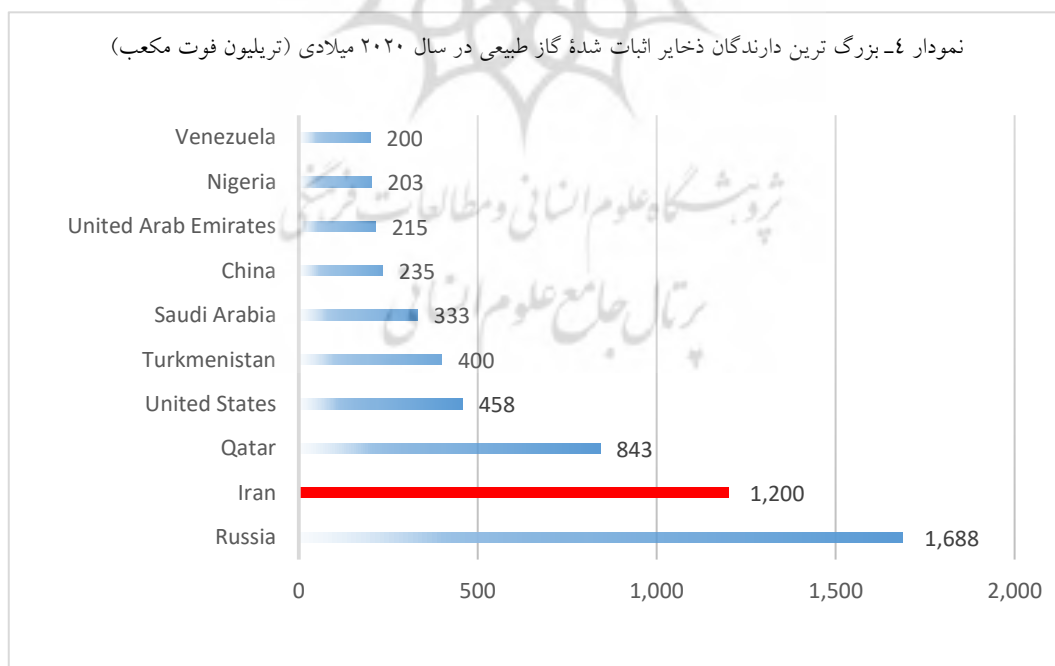
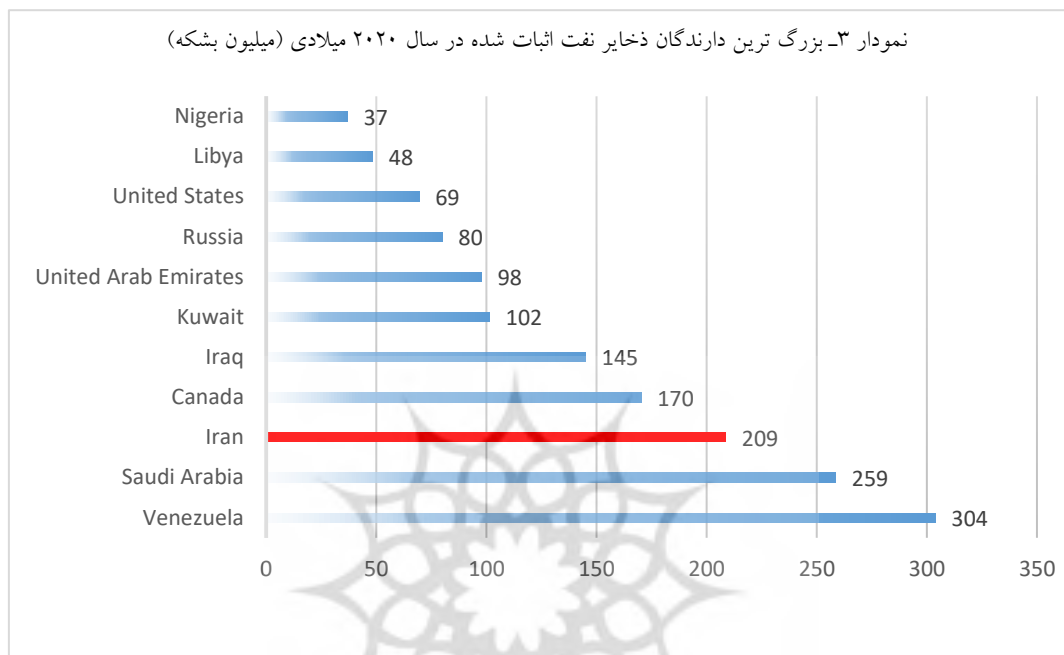
اما در خصوص ظرفیت‌های انرژی ایران، همان‌طور که در نمودار (۳) و (۴) نیز قابل مشاهده است، می‌توان چنین اظهار داشت که ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارندگان ذخایر انرژی، از دو منظر در کانون توجه تعاملات بین‌المللی قرار دارد: نخست جایگاه ایران در تضمین امنیت انرژی جهان و دوم موقعیت کم‌نظیر جغرافیایی کشور. با تأسی از ویژگی‌های مورد اشاره می‌توان اذعان داشت که انرژی یکی از حلقه‌های مهم پیوند ایران با بازارهای بین‌المللی و به‌طور مشخص حوزه آندو پاسیفیک است (رکن‌آبادی و جوزی ده سیفید، ۱۳۹۹: ۵۷).

با عنایت به ظرفیت‌های ایران در بخش انرژی و نیاز چین به بازاری دائم و خارج از سیطره و بلوک ایالات متحده، این فرصت وجود دارد که ایران به‌منظور گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه آندو پاسیفیک و تقلیل تکانه‌های ناشی از تحریم‌های تحمیلی مجموعه غرب، منابع انرژی خود را به‌صورت هدفمند و فرآوری شده به سمت بازارهای چین که یکی از بازیگران اصلی حاضر در حوزه آندو پاسیفیک است، روانه سازد. لازم به ذکر است که دست یازیدن به

¹. Source: Graph by U.S. EIA based on data from Oil & Gas Journal, December 2020

چنین اقدامی می‌تواند برای هر دو طرف بُرد تلقی گردد؛ زیرا از یک طرف ایران می‌تواند از رهگذر فروش منابع انرژی خود درآمد ارزی لازم در شرایط تحریم را فراهم نماید و در سوی مقابل چین نیز خاطرش از بابت تضمین امنیت انرژی در فضای نامطمئن بین‌المللی تا حدود زیادی آسوده می‌گردد.

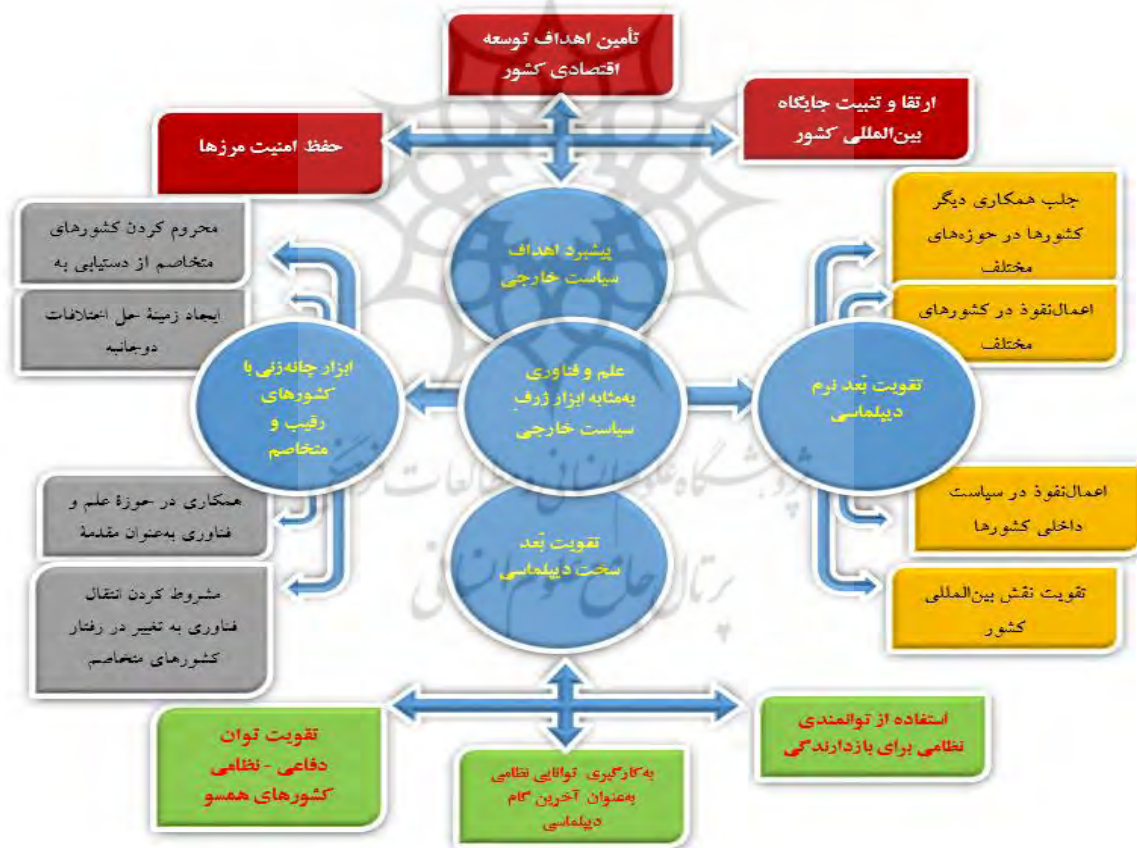
۴-۲ لزوم دستیابی به فناوری‌های برتر از طریق دیپلماسی علم و فناوری



واقعیت امر نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران در راه دستیابی به توسعه، نیازمند فناوری‌های مدرن است که عمدتاً در جهان غرب وجود دارد. نکته قابل توجه آن است که با توجه به بی‌اعتمادی‌های فزاینده‌ای که از دیرباز میان ایران و غرب ریشه دوانده است، نمی‌توان در این راه چندان به غرب متکی بود. مع الوصف، ایران از دیرباز بنا به

اشتراکات فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و تمدنی، روابط نسبتاً حسنه‌ای را به کشورهای حاضر در حوزه شرق آسیا به منصفه ظهور رسانده است. با عنایت به شرایط مورد اشاره می‌توان چنین اظهار داشت که ایران می‌تواند از رهگذر «دیپلماسی علم و فناوری»^۱ شرایط لازم برای دستیابی کم‌هزینه‌تر به فناوری‌های به‌روزی که در اختیار کشورهای همچون چین، هندوستان و کره جنوبی قرار دارد را فراهم نماید.

همان‌طور که در نمودار شماره (۵) نیز مشخص است، دستیابی به فناوری‌های برتر از رهگذر دیپلماسی علم و فناوری از آن جهت مهم می‌نماید که نه تنها می‌تواند زمینه‌های لازم جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نماید، بلکه قادر است در شرایط بغرنج کنونی، قدرت چانه‌زنی دستگاه دیپلماسی کشور در برابر رقبای غربی را نیز تا حدود زیادی ارتقا بخشد. به‌منظور روشن‌تر شدن موضوع مورد اشاره می‌توان چنین اظهار داشت که اختراع بمب اتم و ارسال موشک به فضا از جمله عواملی بودند که به ترتیب موجب پایان یافتن جنگ دوم جهانی و داغ‌تر شدن روند جنگ سرد شدند (موسوی زارع و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). از این‌رو ضروری است که در فضای آناشری حاکم بر نظام بین‌الملل پسا شوروی، تلاش‌های لازم در راستای در اختیار گرفتن هرچه بیشتر ابزارهای علم و فناوری از طرق گوناگون صورت پذیرد.



نمودار ۵ - کاربرد علم و فناوری به‌عنوان ابزار سیاست خارجی (Valavi et al, 2011: 50)

^۱. Diplomacy of Science and Technology

به منظور تقویت دیپلماسی علم و فناوری کشور باهدف دستیابی به فناوری‌های برتری که در اختیار کشورهای حاضر در حوزه‌ی ایندو پاسیفیک قرار دارد، توصیه می‌شود که:

- ۱- تربیت و آموزش دیپلمات‌های حرفه‌ای با توجه به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور هدف؛
- ۲- توجه ویژه به مقوله‌ی دیپلماسی علم و فناوری کشورهای شرق آسیا و مشخصاً حوزه‌ی ایندو پاسیفیک در اسناد کلان بالادستی؛
- ۳- تلاش در جهت بهبود و تقویت زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و فناورانه کشور؛
- ۴- تأسیس و متعاقباً حمایت از شرکت‌های فناورانه و بنگاه‌های دانش‌بنیان جهت انجام تعامل با کشورهای حاضر در حوزه‌ی ایندو پاسیفیک؛
- ۵- برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های علمی مشترک به منظور ایجاد شناخت عمیق از توانایی‌های کشورهای هدف؛
- ۶- حضور و مشارکت فعال در همایش‌ها و کارگاه‌های علمی و فناورانه برگزار شده در کشورهای حاضر در منطقه مورد اشاره.

۴ - ۳ مقوله‌ی حمل و نقل و ترانزیت به عنوان مزیت نسبی ایران در سیاست نگاه به ایندو پاسیفیک

شایان ذکر است که از دیرباز، جمهوری اسلامی ایران به سبب برخورداری از موقعیت ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی منحصر به فرد، جایگاه ویژه‌ای را از نظر مقوله‌ی ترانزیت و حمل و نقل به خود اختصاص داده است. به بیانی دقیق‌تر می‌توان چنین اظهار داشت که قرار گرفتن ایران در مسیر گذرگاه‌های راهبردی «تراسیکا»^۱، جنوب آسیا، شمال به جنوب و شرق به غرب، واقع شدن در میان دو منبع انرژی جهانی (دریای خزر و خلیج فارس)، توانایی پایان دادن به حصر کشورهای حاضر در آسیای مرکزی و منطقه (سی.آی.اس)^۲ (Patnik, 2016)، دسترسی آسان به پهنه‌ی اقیانوسی هند، دریای عمان، خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز و برخورداری از مرز مشترک با ۱۵ کشور مستقل (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱۳)، وجود امکانات لازم جهت حمل و نقل ریلی در نقاط بندری و پس کرانه‌ها، امکان جابجایی کالا به صورت انبوه، وجود فرصت ترازبری ترانزیتی در مناطق شرقی کشور از جمله عوامل ژرفی هستند که به نوبه‌ی خود موجب شده‌اند تا جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای را در این عرصه‌ی راهبردی احراز نماید (عزتی و شکری، ۱۳۹۱: ۳). افزون بر موارد مورداشاره باید توجه داشت که بندر چابهار نیز به سبب واقع شدن در شرق دریای عمان و تنگه‌ی هرمز، در مسیر کشتیرانی آسیا، آفریقا و اروپا قرار گرفته است که همین امر به نوبه‌ی خود موجب شده است تا بندر چابهار و مشخصاً محور ترانزیتی «چابهار - میلک» مبدل به کوتاه‌ترین و مطلوب‌ترین راه ترانزیتی و ارتباطی افغانستان و کشورهای واقع در آسیای مرکزی به بازارهای شرق آفریقا، حوزه‌ی خلیج فارس و دیگر نقاط جهان گردد.

در خصوص مقوله‌ی ترانزیت و جایگاه آن در پیوند روابط تجاری و اقتصادی ایران و آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک باید اذعان داشت که بنا به رشد اقتصادی‌ی فزاینده‌ای که طی سالیان اخیر کشورهای حاضر در حوزه‌ی ایندو

۱. TRACECA: کریدور حمل و نقل اروپا، قفقاز و آسیا (در حال حاضر ایران، بلغارستان، مولداوی، رومانی، اوکراین، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان عضو این کریدور هستند).

۲. Commonwealth of Independent States (CIS)

پاسیفیک به آن نائل آمده‌اند، حوزه شرق آسیا نه تنها مبدل به محور رشد و توسعه اقتصاد جهانی در فضای پسا شوروی شده است (finger, 2016: 133) بلکه به‌واقع نقش هاب جهانی تجارت، تولید، بهره‌وری و ساختار سرمایه را نیز به خود اختصاص داده است (Bhattacharyay et al, 2012: 6). البته نکته قابل توجهی که در این بین خودنمایی می‌کند آن است که با وجود رشد مقوله‌های تولید، تجارت و بازرگانی در حوزه ایندو پاسیفیک، باید اذعان داشت که کشورهای منطقه به لحاظ امکانات زیربنایی و ترانزیتی با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. به‌عنوان مثال شبکه ارتباطات و حمل‌ونقل زمینی در محور «شمال - جنوب»^۱ به نحوی نتوانسته است ارتباط لازم میان مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی قاره آسیا یعنی آسیای مرکزی با آسیای جنوبی، چین با شبه‌جزیره عربستان و منطقه خلیج فارس، روسیه و آسیای مرکزی و هند را برقرار نماید. این مسئله در یک سطح کلان‌تر در حوزه اوراسیا نیز قابل مشاهده است؛ بدین ترتیب که محور ارتباطی شمال به جنوب چنان‌که شایسته و بایسته است ارتباط لازم میان بخش خشکی منطقه اوراسیا و قاره آفریقا را نتوانسته است برقرار نماید (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). با عنایت به شرایط پدیدار شده بود که نخبگان سیاسی چین در راستای تداوم روند صعود جهانی خود درصدد برآمدند تا یک مسیر تجاری و ترانزیتی مشخص و منحصربه‌فرد را برای خود تعیین نمایند؛ از این رو بود که آقای «شی جین پینگ»^۲ در مقام رئیس‌جمهور چین، در سفر پنج‌روزه خود به عربستان سعودی، مصر و جمهوری اسلامی ایران^۳ در ۱۹ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۱۶ میلادی (۲۹ دی تا ۳ بهمن ۱۳۹۴) درصدد برآمد تا نظر دولتمردان سه کشور مورد اشاره به‌خصوص ایران را برای مشارکت در ابتکار کمربند - راه جلب نماید (Yuan, 2019: 93).

نظر به مواردی که ذکرشان رفت می‌توان چنین اذعان داشت که به سبب قرارگیری جمهوری اسلامی ایران در مسیر دو کریدور بین‌المللی شمال به جنوب و شرق به غرب و همچنین با عنایت به مورد توجه بودن ایران در مسیر زمینی جاده ابریشم نوین یا ابتکار کمربند - راه، تهران، جایگاه ویژه‌ای را به سبب ترانزیت کالاهای اروپا، کشورهای واقع در آسیای میانه و حتی جنوب شرق آسیا در اختیار دارد. به بیانی بهتر، هم‌اکنون ایران به‌عنوان پلی بین آسیا با اروپا و آفریقا شناخته شده است که نقش ویژه‌ای را در حمل‌ونقل شرق و غرب و در ارتباط میان کشورهای شمالی ایران و خلیج فارس بر عهده دارد. ضمناً علاوه بر شرایط جغرافیایی، ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار غرب آسیا برای تولیدکنندگان آسیایی دارای جاذبه است و می‌تواند به‌عنوان یک شریک تجاری با ظرفیت برای کشورهای واقع در حوزه ایندو پاسیفیک مطرح باشد. از این رو و از رهگذر فعال‌سازی کریدورهای ترانزیتی مورد اشاره، جمهوری اسلامی ایران قادر خواهد شد تا از طریق درآمدهای ارزی حاصل از حق ترانزیت، موجبات افزایش قدرت ملی کشور را فراهم نماید. علاوه بر این، توسعه محور ترانزیتی جنوب شرق و الحاق آن به بخش شمالی کشور می‌تواند به‌نوبه خود موجبات افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی کشور را در شرایط تحریم‌های تحمیلی مجموعه غرب فراهم نماید. همچنین مشارکت فعال در کریدور شرق به غرب و ابتکار کمربند - راه این فرصت مغتنم را در اختیار ایران قرار می‌دهد که از طریق مشارکت در مبادلات اقتصادی و تجاری با کشورهای حاضر در حوزه ایندو پاسیفیک، موجبات

1. International North-South Transport Corridor

2. Xi Jinping (习近平)

۳. آقای شی در سفر مذکور مجموعاً ۵۲ توافقنامه را در حوزه‌های انرژی، تجارت، ارتباطات راه دور، هوافضا و تغییرات آب و هوایی با طرف‌های مقابل خود به امضا رسانید (۱۷ توافق با جمهوری اسلامی ایران، ۱۴ توافق با عربستان سعودی و ۲۱ توافق با مصر).

چسبندگی اقتصادی کشور با اقتصاد کشورهای در حال ظهور حاضر در این منطقه راهبردی را فراهم نماید و حتی هزینه‌های تحریم‌های حداکثری مجموعه غرب را نیز تا حدود زیادی تقلیل دهد.

۵- نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه نائل آمد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخاسته از اصول و مبانی ثابتی است که با توجه به مقتضیات و شرایط جهانی، تاکتیک‌های لازم را برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده در راستای منافع ملی اتخاذ می‌نماید. سیری که جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی خود ترسیم کرده است در جهت توسعه صلح و امنیت در منطقه و گسترش همکاری با همه کشورهای به‌غیر از رژیم صهیونیستی می‌باشد. با تأسی از انگاره مورد اشاره، ضروری است که نخبگان سیاسی و اقتصادی ایران با کاربست یک دیپلماسی فعال، متوازن و پویا و با بهره‌مندی از قدرت هوشمند کشور، موجبات گسترش روابط با کشورهای حاضر در حوزه ایندو پاسیفیک که در چتر سیاست نگاه به شرق و منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران قابل جمع است را در جهت توسعه روابط تجاری و ایجاد بازار برای محصولات ایرانی در شرایط تحریم‌های تحمیلی مجموعه غرب فراهم آورند. به بیانی دقیق‌تر، نگاه ایران به قاره آسیا و مشخصاً آوردگاه راهبردی ایندو پاسیفیک، می‌تواند این فرصت را برای کشورمان به ارمغان آورد تا قادر به ایجاد تعادل در روابط خارجی خود با غرب شده و نیز قدرت مانور کشور را در برخورد با پدیده‌های سیاسی افزایش دهد. در واقع، یکی از اهداف مهم در این اولویت‌بندی، ایجاد نوعی تعادل در روابط خارجی و متنوع‌سازی حوزه‌های فعالیت است. البته این نکته ژرف را نیز باید ملاحظه نظر داشت که در عرصه روابط خارجی، اولویت دادن به برخی مناطق، به معنای حذف یا بی‌اعتنایی نسبت به مناطق دیگر نیست، بلکه به دلیل بهره از فرصت‌های موجود در حوزه‌هایی است که پیش‌تر کمتر مورد توجه واقع شده‌اند.

شایان‌ذکر است که از جمله ظرفیت‌های ویژه‌ای که در بطن راهبرد گرایش به ایندو پاسیفیک وجود دارد، تعمیق روابط تهران و پکن است که در قالب مؤلفه‌های مورد اشاره در بدنه مقاله (حمل‌ونقل و ترانزیت، دیپلماسی علمی و فناوریانه و تضمین امنیت انرژی) می‌تواند بیش‌ازپیش مورد توجه واقع گردد. لازم به ذکر است که منطق و چرایی توسعه روابط دو کشور از منظر متغیرهای کلیدی همچون تحولات نظام بین‌الملل (انتقال قدرت، ثروت و فناوری با محوریت چین)، چالش ایران با نظم متعارف و تحمل فشارهای منظومه‌ای (فشار حداکثری)، موقعیت تمدنی ایران و چین و موقعیت و نقش ژئوپلیتیکی، انرژی و اقتصادی منحصربه‌فرد ایران قابل تحلیل است. به لحاظ اقتصادی نیز ضرورت توجه به همکاری با چین در قالب برنامه جامع راهبردی ۲۵ ساله از آن جهت می‌باشد که دو کشور در موضوعات گسترده‌ای همچون مگا پروژه «کمربند - راه»، اقتصاد مکمل دو کشور، همکاری در حوزه انرژی (نفت و پتروشیمی)، همکاری در حوزه فناوری و زیرساخت، توافقات ارزی دوجانبه، دلار زدایی و راهبرد کلان چین در حوزه مالی جهانی دارای اشتراکات متعددی هستند.

منابع

- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای) سال دوم، شماره ۵، صص. ۲۳-۴۰.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و جوزی ده سفید، (۱۳۹۹)، «نقش ژئوپلیتیک ایران بر امنیت انرژی و تأثیر آن در رابطه با اتحادیه اروپا»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره ۵۲، صص. ۷۲-۴۵.
- حاجیلو، محمدحسین، (۱۳۹۶)، «شکندگی همکاری در فضای هژمونی و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص. ۶۹-۸۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۸)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵، صص ۹۹-۱۱۶.
- رسولی نژاد، احسان و صبری، پریسا (۱۴۰۰). «بررسی راهبرد چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی در ایران: مطالعه عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۵، صص ۳۶۱-۳۹۳.
- سازمند، بهاره، (۱۳۹۹)، «سیاست نگاه به شرق: واکاوی دیپلماسی علم و فناوری ایران در قبال کشورهای اسلامی جنوب شرق آسیا»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۹-۵۳.
- شفیع، نوذر، (۱۳۹۹)، «تجزیه و تحلیل نقش اروپا در بازی بزرگ ایندو پاسیفیک»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۳۶۷-۴۰۰.
- شفیع، نوذر، (۱۳۹۹)، «جنگ سرد جدید؛ تحلیلی بر نظم امنیتی در حوزه آسیا- پاسیفیک»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره یازدهم، شماره ۴ (پیاپی)، صص ۱۳-۴۲.
- شیخان، احسان و طالبی آرانی، روح‌الله، (۱۳۹۹)، «آینده‌پژوهی منطقه‌گرایی نوین پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۶۳)، صص ۹۵-۱۲۴.
- صیادی، هادی و سنایی، اردشیر (۱۳۹۶)، «عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۹۱»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۸۳-۱۱۷.
- عباسی (اشلقی)، مجید و زارع، محمد، (۱۴۰۰)، «جایگاه خلیج فارس در رویکرد چین به امنیت انرژی»، فصلنامه مطالعات علمی روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۰۱-۱۲۷.
- عزتی، عزت‌الله و شکری، شمس‌الدین، (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه چابهار در ترانزیت شمال - جنوب و نقش آن در توسعه شهرهای هم‌جوار»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال نهم، صص ۱-۱۴.
- فرهمند، محمدرضا؛ متقی، ابراهیم و میر کوشش، امیر هوشنگ، (۱۴۰۰)، «رقابت هژمونی آمریکا و چین و تأثیر آن بر جریان انرژی و نفت در جهان»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال هجدهم، شماره ۱ (۶۹)، صص ۱۰۳-۱۲۰.

- گودرزی، مهناز، (۱۳۹۳)، «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۳۳۵-۳۵۳.
- مجیدی، راضیه سادات؛ میره ای، محمد و احمدی، سید عباس، (۱۳۹۶). «تدوین راهبردهای توسعه حمل‌ونقل ریلی در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۸۹، صص ۸۱-۱۰۴.
- موسوی زارع، سید جواد؛ زرقانی، سید هادی و اعظمی، هادی، (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل جایگاه علم و فناوری در عرصه قدرت سخت، نرم و هوشمند»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۳۸.
- میر ترابی، ترکی و ترکی، هادی، (۱۳۹۸). «ابتکار احیای جاده ابریشم چین در تکاپوی تأمین امنیت انرژی و توسعه صادرات»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۰۶-۲۳۱.
- ویسی، هادی (۱۳۹۶)، «بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی پاکستان و ایران در ایجاد کریدورهای شمالی - جنوبی اوراسیا؛ مزیت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۴.
- Adami, A. (2010). The Strategy toward East in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Viewpoints, Settings and Opportunities, *Quarterly Journal of Political Science*. 2(7), pp 97-126.
- Barbieri, G. (2019). Regionalism, globalism and complexity: a stimulus towards global IR? *Third World Thematic: A TWQ Journal*. 4(6), 424-441.
- Baysoy, E. (2020). New-Regionalism: The Slipknot of the Two Rival Trends? *Athens Journal of Mediterranean Studies*. 6:11-20
- Bhattacharyay, B.N. et al (2012). *Infrastructure for Asian Connectivity*, Edward Elgar Publishing.
- Chatham, H. (2021). Indo – Pacific Strategies, Perceptions and Partnerships, the royal institute of international affairs Chatham House, pp. 1-53.
- Collins, B. (2010). Does Regionalism Challenge Globalization or Build Upon It?. *E-International Relations*, <http://www.e-ir.info/2010/07/29/does-regionalism-challenge-globalization-or-build-upon-it>.
- Denisov, I., Paramonov, O., Arapova, E., & Safranchuk, I. (2021). Russia, China, and the concept of Indo-Pacific. *Journal of Eurasian Studies*, 12(1), 72-85. EIA.2018. Shale oil and shale gas resource are globally abundant. Retrieved January 18, 2018, from <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=14431>.
- Fingar, T. (Ed.). (2016). *The new great game: China and South and Central Asia in the era of reform*. Stanford University Press.
- Fuller, Graham (1991). *The Center of the Universe: the Geopolitics of Iran*, Westview Press: Oxford.
- Hunter, S. T. (2010) *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*.
- Liu, H., & Jamali, A. B. (2021). India's Indo Pacific Strategy: A Pragmatic Balancing between the United States and China. *Pacific Focus*, 36(1), 5-39.
- Mohan, C. R. (2017). What the return of the quadrilateral says about India and emerging Asian geopolitics. *Indian Express*. <http://indianexpress.com/article/explained/in-fact-what-the-return-of-quadrilateral-says-about-india-and-emerging-asian-geopolitics-4912740/> (Accessed on 10 November 2017).
- Pardesi, M. S. (2020). The Indo-Pacific: a 'new' region or the return of history?. *Australian Journal of International Affairs*, 74(2), 124-146.
- Ramazani, R. K. (2004). Ideology and pragmatism in Iran's foreign policy. *The Middle East Journal*, 58(4), 1-11.
- Rosamond, B. (2000). *Theories of European Integration*. New York: St. Martin's Press. Ross, Albion. *September, 12, 1952*.

- Sazmand, B., & Tork Tabrizi, A. (2012). Recognition the Identity Contexts of Islamic Republic of Iran's Foreign Policy. *National Studies*, 13(50), 51-72.
- Selleslaghs, J., & Langenhove, L. V. (2020). The rise of regions: Introduction to regional integration & organisations. In *The Changing Global Order* (pp. 147-162). Springer, Cham.
- Singh, B. (2016). New Geopolitical Great Game of Indo-Pacific: Challenges and Options for India. *Modern diplomacy*. eu. <https://moderndiplomacy.eu/2016/05/22/new-geopolitical-great-game-of-indo-pacific-challenges-and-options-for-india>.
- Umbach, F. (2019). China's belt and road initiative and its energy-security dimensions.
- Valavi, M. R., Tarhani, F., & Mojaradi, S. (2011). Extraction of science and technology priorities in the field of defense, national security and foreign policy.
- Yuan, F. (2019). The one belt one road initiative and China's multilayered multilateralism. In *Mapping China's 'one belt one road' initiative* (pp. 91-116). Palgrave Macmillan, Cham.



Indo-Pacific and the need for a more serious look at the Islamic Republic of Iran

Mehrdad Alepour^{1*}, Rashid Recabian², Vahid Ghorbani³

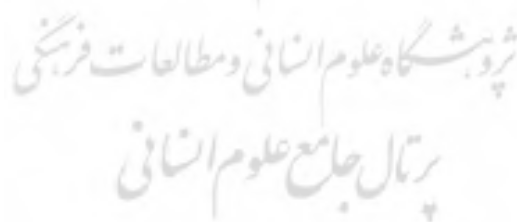
Received:2021/10/12

Accepted:2022/01/05

Abstract

In recent years, in order to consolidate and develop its national interests, Iran, by establishing a traditional strategy of looking to the East, has paid particular attention to establishing close relations and close interaction with countries present in the Indo-Pacific strategic region. Considering the strategic transformations that have overshadowed the Iranian diplomatic apparatus, the present study's authors have tried to answer this strategic question by answering this strategic question with a descriptive-analytical approach and applying the hidden theoretical assumptions in the new regionalist theory. How is the Indo-Pacific powerhouse evaluated? The hypothesis raised by the above question suggests that the system was influenced by the difficulties imposed by the unprecedented sanctions imposed by the West as well as by the special position that the Indo-Pacific strategic area has achieved in the post-Cold War geopolitical equations of Iran. With the more active presence in multilateral, regional systems and the increase in the level of its political-economic interactions with the system of East Asian powers such as China, the direction, axis, and scope of its foreign policy is directed to the regions beyond the eastern borders.

Keywords: Strategic Approach, Indo-Pacific, Looking at East, Modern regionalism, Localization, globalization



¹ M.A. of International Relations and Secretary of the East Asia Desk, Institute for Strategic Research (Corresponding Author) mehrdadalipour1992@gmail.com

² Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Ayatollah Boroujerdi University

³ Ph.D. in International Relations from Shahid Beheshti University and Director of the Foreign Policy Department of the Strategic Research Institute